

رئیس شورای شهر تهران از احتمال تعطیلی شبانه در پایتخت خبر داد

دوراهی تلخ خاموشی یا مازوت سوزی

[شهروند] «محسن هاشمی» رئیس شورای شهر تهران در واکنش به آلودگی هوای تهران گفت: «در گذشته آلودگی هوا را انتخاب و از مازوت استفاده می‌کردند، اما الان تصمیم گرفتند از مازوت استفاده نکنند و خاموشی اعمال کنند و باید دید نتیجه چه می‌شود. به نظر اکنون به این نتیجه رسیدند که دیگر در نیروگاه‌ها برای تولید از این سوخت استفاده نکنند و سیاست خاموشی برق را اجرا کنند.» او اضافه کرد: «همین که در نیروگاه‌های اطراف تهران مازوت استفاده نکنند، به نظر می‌رسد کم‌کم اثر خود را می‌گذارد.»

هاشمی درباره چرایی تعطیل نکردن تهران در این هوای آلوده هم توضیح داد: «چون مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل هستند و اداره‌ها نیز اجازه دورکاری تا ۵۰ درصد را دارند، لذا دولت در جلسه اضطرار آلودگی هوای تهران، به این نتیجه رسید که بیش از این دیگر نمی‌تواند تعطیلی اعمال کند.» او ادامه داد: «در سال‌های قبل هم که هوا آلوده می‌شد در همین حد تعطیل می‌کردند و مدارس تعطیل می‌شد.»

رئیس شورای شهر تهران البته به پیشنهاد تعطیلی پایتخت در روز شنبه و احتمال اعمال منع تردد در سطح شهر هم اشاره کرد و در این باره گفت: «این پیشنهاد مطرح شده است. با توجه به اینکه یکشنبه هفته آینده نیز تعطیل است، اما هنوز موضوعی به تصویب نرسیده و تنها پیشنهاد شده است.»

هاشمی درباره خاموشی‌های شهر تهران هم گفت: «محیط زیست و دولت اطلاع‌رسانی می‌کنند، اما تعطیلی بیشتر را هنوز به صلاح ندانستند. اکنون به نظر می‌رسد دارند بین آلودگی هوا و خاموشی در حال بررسی هستند؛ در گذشته آلودگی هوا را انتخاب و از مازوت استفاده می‌کردند، اما الان تصمیم گرفتند از مازوت استفاده نکنند و خاموشی اعمال کنند. البته وزارت نیرو باید برنامه‌ای را تنظیم کند تا روابط عمومی آن از قبل زمان خاموشی‌ها در هر منطقه اطلاع‌رسانی‌های لازم را انجام دهد.»

حج ۱۴۰۰، همچنان بلا تکلیف

[شهروند] مذاکرات حج هر سال همین موقع در عربستان انجام می‌شود اما حالا سازمان حج و زیارت ایران می‌گوید از عربستان هیچ خبری نیست.

ویروس کرونا حج گذشته را محدود و عربستان با ۱۰ هزار زائر مقیم این کشور مراسم حج واجب را برگزار کرد.

با کاهش شمار مبتلایان کرونا در این کشور، عمره پس از یک سال تعلیق از سر گرفته شد. عربستان قصد داشت به تدریج مرزها را به روی زائران خارجی باز کند؛ اما شناسایی نوع جهش یافته ویروس کرونا مرزهای این کشور را بار دیگر به روی اتباع خارجی بست.

هر چند با آغاز واکسیناسیون کرونا در این کشور احتمال می‌رود حج امسال با حضور زائران خارجی دارای کارت واکسن کرونا برگزار شود، سازمان حج و زیارت ایران هم از وزیر بهداشت قول گرفته واکسن زائران ایرانی را تأمین کند. با این همه هنوز از مذاکرات حج بین عربستان و دیگر کشورها خبری نیست.

در آذر سال ۹۹، سازمان حج و زیارت از آغاز برنامه ریزی حج ۱۴۰۰ خبر داد. مسئولان این سازمان و بعثه حتی با مراجع عظام جلسه‌ای برگزار کردند تا تأیید و نظر آنها را درباره حج در شرایط اضطراری دریافت کنند. زائرانی هم که از حج ۹۹ باز مانده بودند، هزینه سفرشان از قبل پرداخت شده و نزدیک به یک سال است که در بانک مرکزی مانده است.

این رفتار عربستان سابقه دارد؛ دولت سعودی حدود یک ماه مانده به برگزاری حج ۹۹ اعلام کرد که این مراسم را بدون حضور زائران خارجی برگزار می‌کند، در حالی که از ماه‌ها قبل در واکنش به تأخیر عربستان در اعلام این تصمیم، بسیاری از کشورها از شرکت در مناسک واجب حج انصراف داده بودند. این رفتار دولت عربستان بعدها با اعتراض و واکنش تند برخی کشورها از جمله ایران مواجه شد.

وضعیت مبهم ویروس کرونا عربستان را بار دیگر به وقت‌کشی انداخته است، بسیاری از کشورها منتظر تعیین زمان مذاکره حج هستند. معاون سازمان حج و زیارت ایران نیز می‌گوید تا وقتی مذاکره‌ای انجام نشود و تفاهنامه حج را امضا نکنیم نمی‌توان درباره حج آینده تصمیم‌گیری اعلام کرد.

اکبر رضایی تأکید می‌کند: «انتظار می‌رود عربستان هر چه زودتر تاریخ مذاکرات حج تمتع سال آینده کشورهای اسلامی را اعلام کند.» او یادآوری می‌کند: «سازمان حج و زیارت به عنوان متولی اعزام زائران به حج تمتع باید آمادگی لازم را برای تشریف زائران به حج ۱۴۰۰ داشته باشد. هر چند که برنامه ریزی‌های لازم در حوزه مسائل اجرایی را آغاز کرده‌ایم و آمادگی لازم را برای برگزاری حج ۱۴۰۰ را داریم.»



تک کلاسه‌های بلوکی برای عشایر بختیاری

معلم‌های عشایری؛

در کنار تأمین لوازم التحریر، پوشاک و تبلت بچه‌ها برایشان مدرسه هم می‌سازند

«امسال پتل خورشیدی هم تهیه کردیم»

از دو سال پیش داستان مدارس بلوکی شروع شد. «خیرین از تهران و اهواز کمک می‌کردند برای تهیه کانکس.» رفاقت‌شان را با خیرین حفظ کردند. «این گروه را از همان سال‌ها حفظ کردیم.» تقویم که خیراز آمدن سال ۹۹ داد قول و قرارشان ساختن مدرسه شد. به امید کوچ چادرها و سنگ و گلی‌ها. «سال‌های قبل بیشتر کانکس را جایگزین این مدارس می‌کردیم.»

«مهدی» روزگاری کارشناس یکی از مناطق عشایری بوده. بچه‌های عشایری که در درس خواند

و در دانشگاه تدریس کرد، اما همچنان معلم عشایر باقی ماند. روزگاری نوشت افزار

و پوشاک را به کمک خیرین می‌رساند به دست بچه‌ها؛ از همان سال ۹۵. بلوک‌ها که

مسافروستان‌های عشایری شدند، پتل‌های خورشیدی هم هوس سفر کردند. «امسال

پتل خورشیدی هم تهیه کردیم.» پتل‌ها قرار است تنها مدرسه روستا را روشن کند.

پتل‌هایی که روشنایی را به روستاها هدیه می‌برد؛ پتلی که رو به آفتاب نشسته و سیمی

که تنها لامپ خانه هر روستایی را روشن می‌کند. «در روستاهای کم جمعیت سیمی

به خانواده‌ها داده می‌شود تا روشنایی یک لامپ را داشته باشند.» پتل‌های خورشیدی

که میهمان بعضی از روستاها شدند. چراغ‌قوه دامداران شارژ به خود دیدند. گوشی‌های

همراه هم از بی‌شارژی رها شدند. پتل‌ها بچه‌ها را امیدوار کرد به کلاس‌های مجازی.

تبلت خیرین هم خودشان را رساندند به روستاها. پتل‌ها و تبلت‌ها بودند تا کلاس مجازی تعطیل نشوند.

«با ۱۵ میلیون هم مدرسه ساختیم»

بلوک‌ها که راه روستاها را در پیش گرفتند، انجیرستان، اردودت، سرگج و ... میزبانان اولیه مدارس بلوکی بودند. «اگر خدا بخواهد امسال هفت مدرسه را تکمیل می‌کنیم. ۱۰ معلم دور هم جمع شده بودند برای ساخت مدرسه. قصه کارشان که به گوش دوست دور و نزدیک می‌رسید کمک‌ها روی هم جمع می‌شدند؛ برای خرید بلوک، چوب صنوبر، پوشاک و نوشت‌افزار. «کمک‌ها خوشه‌ای جمع می‌شود.» حرف از ساختن مدارس که

و حروف را روی تخته می‌نویسند و پاک می‌کنند. از مسائل و فرمول‌های جدید می‌گویند. از دنیای جانوران و گیاهان. از ارتباط میان اعداد و ارقام. از شکل‌گیری هندسه و ریاضیات. کارشان آموختن است حالا چه زیر چادری میان کوه‌ها، چه در کنج مدرسه‌ای گلی. «۱۰ تا معلم عشایری که یک گروه تشکیل دادیم.» روزگاری کودکی‌شان میان چادر عشایر گذشت. قد کشیدند و شدند معلم. انتخاب‌شان مدارس عشایر بود. «بعضی از اعضای گروه سر باز معلم بودند، اما اغلب بومی اینجا هستند.»

گروه ۱۰ نفره مدرسه‌ساز حالا خیرین را هم آورده پای کار. «بعضی‌ها معلم عشایر بودند

الان رفتند کارهای دولتی و شرکتی.» روزهای تعطیل برایشان یک معنی دارد؛ بازدید از

مدرسه‌ای جدید میان چادرهای عشایری. «قبل از کار می‌رویم برای بازدید میدانی.»

روز تعطیل راه روستایی را در پیش می‌گیرند. تعداد دانش‌آموزان برآورد می‌شود. جای

مدرسه‌ای که قرار است قد بکشد، مشخص. بسته به تعداد دانش‌آموز متراژ مدرسه تعیین

می‌شود. بعد نوبت مصالح است. اینکه چه مصالحی از کجا تهیه شود. پایان روز تعطیل

می‌شود نوبت تخمین هزینه‌ها.

«به کمک هلال احمر کانکس‌ها را بردیم»

چادرها و سنگی و گلی‌ها همه جا هستند. از هویزه تا شادگان. از مسجد سلیمان تا اندیکا و ایذه. «مدارس عشایر ۱۴ منطقه دارد. یعنی ۱۴ شهرستان.» مدارس پست پیچ کوه‌ها و راه‌های صعب‌العبور. چادرهایی علم شده میان کوه‌ها به دور از هیاهوی شهر. سنگ و گلی‌هایی به دور از سیگنال و اینترنت. «در ایذه ۲۰ مدرسه داریم که نیاز به نوسازی و ساخت دارند.»

کانکس‌ها هزارگانه‌ی سوار بر بالگردها بر فراز کوه‌ها رسیده‌اند برای سقفی شدن برای بچه‌ها. کانکس‌هایی که حالا بیشتر اهل سوسن شده‌اند برای محافظت بچه‌ها از باد و باران و از سوز سرما. «به کمک هلال احمر کانکس‌ها را بردیم.» روستایی خود را میان کوه‌ها پنهان کرده‌اند تا بالگردها جایی برای نشستن نداشته باشند. «نمی‌شود کاری کرد یاختی مصالح برد.»

[لیلا مهداد] قایق‌ها به ردیف، کنار هم روی آب تاب می‌خورند. مسافران جدید روی خشکی ساحل کنار هم تلنبار شده‌اند. کیسه‌های شن و ماسه کمی جلوترند. بلوک‌ها کمی عقب‌تر ایستاده‌اند. ردیف آخر به صنوبرها می‌رسد. مسافران جدید مأموریت بالا کشیدن دیوار مدرسه‌ها را به عهده گرفته‌اند. بلوک‌ها و صنوبرهای دیگری مسافران روستاهای دیگرند. گروهی با وانت و قاطر به مقصد می‌رسند. تعدادی سوار بر پشت اهالی. بلوک‌ها کنار هم چیده می‌شوند. چوب‌های صنوبر هم هستند. قول و قرارشان بالا رفتن دیوار مدرسه‌هاست. بلوک‌ها سانت به سانت کنار هم می‌نشینند. دیوارها خودشان را بالا می‌کشند برای رسیدن به صنوبرها. چوب‌های صنوبر کنار هم قطاری می‌شوند برای سقف شدن مدرسه؛ مدرسه‌ای تک‌کلاسه. میز و نیمکت‌ها هم از راه دور نزدیک می‌آیند به دیدار بچه‌ها.

بلوک‌ها و صنوبرها از شهر می‌آیند. سوار بر وانت و کامیون. پای کوه که می‌رسند قاطرها

می‌آیند به پیشواز. سفر بعدی بلوک‌ها و صنوبرها با قاطرهاست. میان پیچ و خم

کوره‌ها. میان چادر عشایر که می‌رسند، چادر مدرسه محکوم می‌شود به رفتن. چادر

سیاهی‌اش را از سر تیرک‌ها جمع می‌کند. تیرک‌ها از دل زمین بیرون کشیده می‌شوند.

بلوک‌ها می‌نشینند روی هم و سر به آسمان می‌کشند. اهالی خوش‌حالند. هیاهو و خنده

بچه‌ها می‌پیچد میان کوه‌ها. همه‌مهای مبهم و شاد برای پا گرفتن تنها مدرسه روستا.

بچه‌ها دست‌های کوچک‌شان را قلاب می‌کنند برای بُردن بلوک‌ها. هر بلوک یعنی

امید به آینده. یعنی درامان ماندن از گرمای آفتاب. هر بلوک یعنی سقفی برای روزهای

بارانی و برفی. هر دیوار یعنی کنجی برای هجی کردن درس و مشق. مدرسه‌های بلوکی

که پا بگیرند، مدارس سنگ و گلی محکوم می‌شوند به رفتن. چادرها هم می‌شوند

خاطره‌ای دور در ذهن هم‌کلاسی‌های قدیمی.

«قبل از کار می‌رویم برای بازدید میدانی»

معلم‌اند. پای تخته می‌ایستند برای ساختن فردای بهتر برای بچه‌ها. اعداد